



University of Tehran Press

Social Capital Management

Home Page: <https://jscm.ut.ac.ir/>

Online ISSN: 2423-6233

The Impact of Harmful Factors on the Social Capital of the Clergy from the Perspective of University Professors

Saeid Karami^{1*} | Abdolmotalleb Abdollah²

1. Corresponding Author, PhD Student in Islamic Studies, Islamic Revolution Orientation; Allameh Tabatabaie University, Tehran, Iran. E-mail: saeid.karami1362@yahoo.com

2. Faculty Member, Allameh Tabataba'i University, Faculty of Theology and Islamic Studies. Tehran, Iran. E-mail: Abdollah@atu.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received: June 01, 2025
Revised: July 16, 2025
Accepted: July 21, 2025
Published online: September 08, 2025

Keywords:
Harm,
Social Capital,
The Clergy's Social Capital,
University Professors.

ABSTRACT

Objective: The present study aims to investigate the state of the clergy's social capital within the academic community by analyzing field data and identifying factors influencing its enhancement. **Method:** The research employs a survey method. The statistical population includes faculty members from the University of Tehran, Allameh Tabatabaie University, Shahid Beheshti University, and Tarbiat Modares University. **Findings:** The findings revealed that an inverse relationship exists between harmful social factors and the clergy's social capital. There is also an inverse relationship between harmful cultural, religious, and academic factors and the clergy's social capital. Inverse relationships are also found between harmful political and economic factors and the clergy's social capital. Overall, harmful factors exhibit an inverse relationship with the clergy's social capital. **Conclusion:** This study demonstrates that harmful factors across all domains, particularly political factors, negatively impact the clergy's social capital. To preserve and enhance this capital, strategic management of political and economic factors should be prioritized. Future research could focus on mitigation strategies to effectively address these challenges.

Cite this article: Karami, S. & Abdollah, A. (2025). The Impact of Harmful Factors on the Social Capital of the Clergy from the Perspective of University Professors. *Social Capital Management*. 12 (3), 267-287. <http://doi.org/10.22059/jscm.2025.396144.2594>



© Authors retain the copyright and full publishing rights.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jscm.2025.396144.2594>

Publisher: University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

مدیریت سرمایه اجتماعی

سایت نشریه: <https://jscm.ut.ac.ir/>

شاپا الکترونیکی: ۶۲۳۳-۲۴۲۳

تأثیر عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت از نگاه استادان دانشگاه

سعید کرمی^{۱*} | عبدالمطلب عبدالله^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش انقلاب اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: saeid.karami1362@yahoo.com

۲. دانشیار، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: Abdollah@atu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۱۷

کلیدواژه:

آسیب،

سرمایه اجتماعی،

روحانیت،

سرمایه اجتماعی روحانیت،

استادان دانشگاه.

تحقیق حاضر با هدف بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی روحانیت در میان جامعه دانشگاهی، با تحلیل داده‌های میدانی، عوامل مؤثر بر ارتقای این سرمایه را شناسایی می‌کند. روش تحقیق مورد استفاده پیمایشی است. جامعه آماری این تحقیق استادان دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبائی، شهید بهشتی، و تربیت مدرس بودند. یافته‌ها نشان داد: ۱. بین عوامل اجتماعی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت رابطه معکوس وجود دارد؛ ۲. بین عوامل فرهنگی و دینی و علمی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت رابطه معکوس وجود دارد؛ ۳. بین عوامل سیاسی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت رابطه معکوس وجود دارد؛ ۴. بین عوامل اقتصادی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت رابطه معکوس وجود دارد؛ ۵. بین عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت رابطه معکوس وجود دارد. این پژوهش نشان داد عوامل آسیب‌زا در تمام حوزه‌ها (به‌ویژه سیاسی) تأثیر منفی بر سرمایه اجتماعی روحانیت دارند. برای حفظ و ارتقای این سرمایه، باید مدیریت هوشمندانه عوامل سیاسی و اقتصادی در اولویت قرار گیرد. تحقیقات آینده می‌توانند با تمرکز بر راهکارهای کاهش این آسیب‌ها گام‌های مؤثری در این زمینه بردارند.

استناد: کرمی، سعید و عبدالله، عبدالمطلب (۱۴۰۴). تأثیر عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت از نگاه استادان دانشگاه. مدیریت سرمایه اجتماعی، ۱۲ (۳) ۲۶۷-۲۸۷

<http://doi.org/10.22059/jscm.2025.396144.2594>

© نویسندگان. ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jscm.2025.396144.2594>



بیان مسئله

روحانیت در ایران قرن‌هاست مهم‌ترین سازمان اجتماعی کشور به شمار می‌رود؛ طوری که محوریت و مرجعیت شکل‌گیری جریان‌های اجتماعی و انتظام‌بخشی به ساختار اجتماعی کشور را بر عهده داشته است. دلیل این موضوع را می‌توان جایگاه عالمان دین در آموزه‌های تشیع و به‌ویژه اهتمام صفویه به بهره‌گیری از علما در ساختار حکومت دانست. همین امر سبب شده نهاد مذهب تأثیرات مهمی در سایر نهادهای اجتماعی- مانند نهاد سیاست، اقتصاد، خانواده، آموزش، و ... داشته باشد. می‌توان ادعا کرد که روحانیت و حوزه‌های علمیه از جمله نهادهای تأثیرگذار در تاریخ ایران بودند و قدرت ناگزیر به تعیین نسبت خود با آن‌ها بود.

روحانیت شیعه طی سده‌ها به مهم‌ترین نهاد اجتماعی ایران تبدیل شده است. این جایگاه هم از آموزه‌های تشیع نشئت می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۴۵) هم به دلیل سیاست‌های حکومت صفوی در به‌کارگیری علما در ساختار قدرت (Arjomand, 1984: 112). این نهاد به طور تاریخی توانسته است بر تمامی ارکان جامعه از سیاست و اقتصاد تا آموزش و خانواده تأثیر بگذارد (کدی، ۱۳۷۵: ۸۷). حتی در دوره‌های افول ظاهری، روحانیت همواره مرجعیت اجتماعی خود را حفظ کرده است (Algar, 1969: 203).

مواجهه روحانیت با مدرنیته از دوره قاجار آغاز شد (آجودانی، ۱۳۸۲: ۱۵۶) و در دوره پهلوی به اوج رسید (Abrahamian, 1982: 134). حکومت‌های جدید با ایجاد نهادهای مدرن قضایی، آموزشی، و اوقاف سعی در محدود کردن نفوذ روحانیت داشتند (فوران، ۱۳۷۷: ۲۴۵). اما روحانیت با راهبردهای هوشمندانه، از جمله حضور فعال در دانشگاه‌ها و استفاده از ظرفیت مساجد، نه تنها این تهدیدها را خنثی کرد، بلکه نفوذ خود را گسترش داد (مطهری، ۱۳۵۷: ۹۲). نمونه‌های بارز این رویکرد را می‌توان در فعالیت‌های شهیدان مطهری و مفتاح مشاهده کرد (مفتاح، ۱۳۵۸: ۶۷).

پیروزی انقلاب اسلامی نقطه عطفی در تاریخ روحانیت بود (خمینی، ۱۳۶۱: ۳۴). پس از انقلاب، روحانیون با ورود به دانشگاه‌ها و تأسیس نهادهایی مانند نمایندگی رهبری فرایند اسلامی‌سازی آموزش عالی را آغاز کردند (گلزاری، ۱۳۸۰: ۱۱۵). این حضور نظام‌مند هم به تدریس معارف اسلامی محدود نبود هم شامل حضور در رشته‌های علوم انسانی و فعالیت‌های تبلیغی شد (سروش، ۱۳۶۷: ۷۸). این تحول تداوم تاریخی نقش روحانیت در آموزش را نشان می‌داد (بشیریه، ۱۳۸۲: ۱۸۹).

امروزه حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی برای تداوم تأثیرگذاری روحانیت ضروری است (پاتنام، ۱۳۸۰: ۵۶). این سرمایه که شامل اعتماد عمومی و شبکه‌های اجتماعی می‌شود شرط لازم برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی است (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۲۳). بررسی تعامل روحانیت با نسل جدید و نخبگان دانشگاهی می‌تواند راهکارهای مناسبی برای افزایش این سرمایه ارائه دهد (عبدالله‌خانی، ۱۳۹۰: ۲۰۷). آینده نهاد روحانیت به توانایی آن در تطبیق با نیازهای جامعه معاصر و حفظ پیوند با اقشار مختلف بستگی دارد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۷۸).

تحقیق حاضر با هدف بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی روحانیت در میان جامعه دانشگاهی پس از چهار دهه از انقلاب اسلامی انجام می‌شود و می‌کوشد با تحلیل داده‌های میدانی عوامل مؤثر بر ارتقای این سرمایه را شناسایی کند. این مطالعه با بهره‌گیری از روش ترکیبی (کیفی و کمی) و با استفاده از ابزارهای مصاحبه و پرسشنامه به دنبال پاسخ به این پرسش‌های اساسی است: سطح کنونی سرمایه اجتماعی نهاد روحانیت در بین استادان دانشگاهی چگونه است؟ چه متغیرهایی بر کاهش یا افزایش این سرمایه تأثیر گذارند؟ و چگونه می‌توان ظرفیت‌های موجود برای تعمیق روابط این دو نهاد را فعال‌سازی کرد؟ یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای سیاست‌گذاران فرهنگی و مدیران نهادهای حوزوی و دانشگاهی در جهت بهبود تعاملات سازنده بین این دو قطب فکری جامعه مفید واقع شود.

هدف کلی تحقیق

بررسی رابطه تأثیر عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت از نگاه استادان دانشگاه.

اهداف جزئی تحقیق

- بررسی عوامل اجتماعی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت؛

- بررسی عوامل فرهنگی، دینی، و علمی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت؛
- بررسی عوامل سیاسی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت؛
- بررسی عوامل اقتصادی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت؛
- بررسی عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت.

تعاریف فاهیم اصلی

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به عنوان میراث تاریخی یک جامعه، با تشویق به همکاری و مشارکت، توانایی حل معضلات اجتماعی و تسریع رشد در ابعاد اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی را فراهم می‌سازد. این سرمایه که در کنار سرمایه‌های اقتصادی و انسانی قرار می‌گیرد بستری برای بهره‌وری از سایر سرمایه‌ها و دستیابی به موفقیت محسوب می‌شود. جامعه‌شناسان، با تأکید بر نقش قانون و اخلاق در تنظیم روابط اجتماعی، کارکرد انتظام‌بخش نهاد مذهب را به عنوان مهم‌ترین نقش سرمایه اجتماعی برمی‌شمارند.

سرمایه اجتماعی متشکل از مفاهیمی چون اعتماد، همکاری، و همیاری است که نظامی هدفمند ایجاد می‌کند و گروه‌ها را به سمت اهداف ارزشمند هدایت می‌کند. شناخت عوامل مؤثر بر تقویت یا تضعیف آن می‌تواند عملکرد اجتماعی و اقتصادی را بهبود بخشد. این مفهوم، که اخیراً مورد توجه ویژه قرار گرفته، معیاری برای ارزیابی موفقیت نهادهای اجتماعی محسوب می‌شود و به عنوان ابزاری کارآمد در تحلیل کارکرد سازمان‌های اجتماعی به کار می‌رود (Evans & Carson, 2005: 308).

روحانیت

روحانیت، به عنوان اصطلاحی جامعه‌شناختی، اشاره به تحصیل‌کردگان علوم حوزوی دارد که در تاریخ معاصر ایران و در جریان مواجهه فرهنگی با غرب وارد مباحث سیاسی- اجتماعی کشور شد. این مفهوم که جایگزین واژگانی مانند عالم، طلبه، و آخوند شد تحت تأثیر دو عامل شکل گرفت؛ نخست ویژگی‌های معنوی و اخلاقی ذاتی مرتبط با مرجعیت شیعه و دوم تحول نقش روحانیت از نهادی صرفاً علمی به نهادی با کارکردهای علمی و سیاسی و اجتماعی.

ظهور مفهوم روحانیت به عنوان معادلی برای روحانیت مسیحی هم‌زمان با دوره پس از نهضت تنباکو و پیش از مشروطه بود. این تحول نشان‌دهنده گذار تاریخی روحانیت شیعه به نهادی چندبعدی است که علاوه بر وظایف علمی و دینی نقش‌های سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای نیز بر عهده گرفته است (یعقوبی، ۱۳۹۱: ۱۹). این تغییرات بیانگر تکامل تدریجی جایگاه و کارکردهای روحانیت در ساختار اجتماعی ایران است.

پیشینه پژوهش‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی و جایگاه روحانیت

مولایی آرانی (۱۳۹۶) در طرح ملی پیمایش سرمایه اجتماعی به بررسی ایستای جامعه‌شناختی سرمایه اجتماعی روحانیت پرداخته است. اگرچه داده‌های این پژوهش از پایایی مطلوبی برخوردارند و می‌توانند به تحقیق حاضر کمک کنند، این مطالعه فاقد تحلیل ریشه‌ای تاریخی و واکاوی تحولات اجتماعی در بستر تغییرات تاریخی است؛ موضوعی که در پژوهش حاضر به آن پرداخته خواهد شد.

دیوسالار و همکارانش (۱۳۹۸) در مقاله «کارکرد اجتماعی روحانیت شیعه در دوره قاجار بر اساس سفرنامه‌های اروپاییان» با تکیه بر گزارش‌ها و مستندات تاریخی تصویری روشن از بستر اجتماعی روحانیت شیعه در آستانه مواجهه ایران با مدرنیته ارائه کرده‌اند. با این حال، این پژوهش به آسیب‌شناسی نقش و جایگاه روحانیت نپرداخته است.

حامد الگار (۱۳۶۹) در کتاب *دین و دولت در ایران* نقش علما و روحانیون را در دوره قاجار بررسی کرده است. این اثر تحلیل جامعی از مبانی نفوذ روحانیون، کارکردهای اجتماعی- سیاسی آنان، و تأثیرشان بر جامعه ارائه می‌دهد و می‌تواند به عنوان پیشینه تحقیق مورد استفاده قرار گیرد؛ هرچند با مسئله اصلی این پژوهش تفاوت بنیادین دارد.

استادیان خانی و دستنایی (۱۳۹۹) در مقاله «واکاوی فرایند رویارویی پهلوی دوم با نهاد روحانیت» به تعاملات بین حوزویان و نهادهای آموزشی مدرن اشاره کرده‌اند. اما به دوره پس از انقلاب اسلامی، که موضوع اصلی این پژوهش است، نپرداخته‌اند. اشتریان (۱۳۸۸) در مقاله «کارآمدی و منزلت نخبگان: بررسی منزلت روحانیت در بین جوانان» با رویکردی واقع‌گرایانه و مبتنی بر نظریه نخبه‌گرایی بخشی از افول منزلت روحانیت را در ارتباط با ناکارآمدی سیستم پاسخگویی دولت تحلیل کرده است. با وجود تفاوت جامعه آماری (جوانان به طور کلی در مقابل دانشجویان دانشگاه‌های تهران) یافته‌های این تحقیق می‌تواند برای پژوهش حاضر مفید باشد.

نودوست و مایلی (۱۳۹۷) در مقاله «وضعیت‌سنجی سرمایه روحانیت پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی» با استفاده از نظریه بورديو تحولات سرمایه فرهنگی، نمادین، اجتماعی، و اقتصادی روحانیت را مقایسه کرده‌اند. اگرچه این مقاله از نظر روش‌شناسی بیشتر تحلیلی است تا تجربی، رویکرد پویای آن در بررسی کنش‌های اجتماعی در بستر زمان نقطه قوت مهمی محسوب می‌شود. با این حال، نگاه مقطعی پژوهش امکان ارزیابی روندهای کلان تاریخی را فراهم نکرده است.

سام دلیری (۱۳۹۵) در مقاله «الگوی برای بررسی کاهش نفوذ اجتماعی روحانیان در ایران؛ نقد مقاله دکتر شجاعی‌زند»، با نقد الگوی پیشنهادی شجاعی‌زند، طرحی واقع‌گرایانه‌تر ارائه داده است. این مقاله اگرچه محدود به نقد یک پژوهش خاص است، داده‌های کیفی ارزشمندی برای تحلیل ساختاری سرمایه اجتماعی روحانیت فراهم می‌کند.

پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی (وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها) در کتاب *جایگاه روحانیت و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها* به مطالعه میدانی نگرش دانشگاهیان نسبت به روحانیت پرداخته است. با توجه به گذشت بیش از دو دهه از این پژوهش و تحولات گسترده در فضای اجتماعی و دانشگاهی کشور، به‌روزرسانی شاخص‌های ارزیابی و تحقیقات جدید در این حوزه ضروری به نظر می‌رسد.

چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش بر اساس نظریه سرمایه اجتماعی رابرت پاتنام شکل گرفته است. رابرت پاتنام به عنوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز سرمایه اجتماعی با آثارش مانند *بولینگ تنها* (۲۰۰۰) این مفهوم را گسترش داد. برخلاف کلمن و بورديو که رویکردی فردگرایانه داشتند، پاتنام سرمایه اجتماعی را در سطح کلان و در ارتباط با نهادهای دموکراتیک بررسی کرد (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۱۴). او سرمایه اجتماعی را متشکل از شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای همیاری، و اعتماد می‌داند که همکاری اجتماعی را تسهیل می‌کند (Putnam, 1993: 367).

پاتنام سه مؤلفه اساسی را معرفی می‌کند:

– شبکه‌های اجتماعی (رسمی و غیررسمی) که به دو نوع افقی (مشارکت‌های مدنی) و عمودی (سلسله‌مراتبی) تقسیم می‌شوند (پاتنام، ۱۳۸۴: ۲۹۶)؛

– هنجارهای همیاری شامل همیاری متوازن و تعمیم‌یافته (Putnam, 2000: 134)؛

– اعتماد که شامل اعتماد شخصی و اجتماعی و نهادی است (پاتنام، ۱۳۸۴: ۱۳۷)؛

پاتنام دو شکل اصلی را متمایز می‌کند:

– سرمایه محدود (درون‌گروهی) که میان افراد مشابه ایجاد می‌شود و ممکن است به انحصارگرایی بینجامد (تاج‌بخش، ۱۳۸۵: ۳۳)؛

– سرمایه اتصالی (برون‌گروهی) که افراد متفاوت را به هم مرتبط می‌کند و برای دموکراسی حیاتی است (Leonard, 2004: 929-930).

پاتنام نشان می‌دهد که شبکه‌های مدنی از طریق تقویت اعتماد و همیاری هم‌کارایی نهادهای دموکراتیک را افزایش می‌دهند (Villalba, 2007: 13) هم به توسعه اقتصادی کمک می‌کنند. مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه باعث گسترش مدارا و مهارت‌های مدنی می‌شود (Putnam, 2000: 288) و سرمایه اجتماعی را به عاملی کلیدی برای پیشرفت جامعه تبدیل می‌کند. از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی عبارت است از پیوندهای بین افراد (شبکه‌های اجتماعی) و هنجارهای اعتماد و کنش و واکنش متقابل که از این پیوندها ناشی می‌شوند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۷). پاتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از ویژگی‌های ساختار

اجتماعی شامل شبکه‌های ارتباطی، هنجارهای اجتماعی، و اعتماد می‌داند که امکان همکاری مؤثر برای دستیابی به اهداف مشترک را فراهم می‌سازد.

سرمایه اجتماعی محدود عمدتاً در گروه‌های همسان از نظر قومیت، مذهب، یا طبقه اجتماعی یافت می‌شود. این نوع سرمایه اگرچه موجب تقویت همبستگی درون‌گروهی و ایجاد حمایت‌های اجتماعی می‌شود، ممکن است به شکل‌گیری هویت‌های انحصاری و تقویت تعصبات برون‌گروهی بینجامد. در مقابل، سرمایه اجتماعی اتصالی با ایجاد پیوند بین گروه‌های مختلف اجتماعی به توسعه اعتماد تعمیم‌یافته و شکل‌گیری هویت‌های فراگیر کمک می‌کند. این نوع سرمایه اجتماعی دسترسی به منابع متنوع را تسهیل می‌کند و گردش اطلاعات در شبکه‌های گسترده‌تر را ممکن می‌سازد.

در این پژوهش از چارچوب نظری پاتنام برای تحلیل نقش نهاد روحانیت در تولید و توزیع انواع سرمایه اجتماعی استفاده می‌شود. پرسش محوری این است که روحانیت در طول زمان بیشتر در تولید کدام نوع سرمایه اجتماعی نقش داشته است؟ آیا عملکرد این نهاد به تقویت سرمایه اجتماعی محدود منجر شده یا در ایجاد سرمایه اجتماعی اتصالی مؤثر بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، شبکه‌های ارتباطی روحانیت، هنجارهای حاکم بر تعاملات آن، و سطح اعتماد اجتماعی به این نهاد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

با توجه به تفاوت‌های زمینه اجتماعی ایران با جوامع غربی که پاتنام نظریه خود را بر اساس آن‌ها تدوین کرده در این پژوهش تلاش می‌شود چارچوب نظری با ملاحظات بومی تعدیل شود. همچنین، برای دستیابی به تحلیلی جامع، روش‌های کیفی و کمی به صورت ترکیبی به کار گرفته می‌شوند. این رویکرد امکان بررسی هم‌زمان ابعاد ساختاری و تاریخی موضوع را فراهم می‌سازد و به درک بهتری از تحول نقش روحانیت در شکل‌دهی به سرمایه اجتماعی ایران منجر خواهد شد.

روش‌شناسی پژوهش حاضر

طرح تحقیق

این مطالعه با بهره‌گیری از روش پیمایشی به بررسی تأثیر عوامل آسیب‌زای سرمایه اجتماعی روحانیت از دیدگاه استادان دانشگاه می‌پردازد. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه مورد مطالعه شامل کلیه استادان دانشگاه‌های دولتی تهران، علامه طباطبائی، شهید بهشتی، و تربیت مدرس در رشته‌های علوم انسانی بود، با جمعیت ۱۹۵۷ تن. همگی آن‌ها با موضوع سرمایه اجتماعی و نهاد روحانیت آشنایی داشتند و با استفاده از فرمول کوکران تعداد نمونه لازم ۳۸۵ تن به دست آمد که محقق برای اطمینان بیشتر نمونه را به ۴۳۰ تن افزایش داد و روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌بندی انجام شد.

ابزار گردآوری داده‌ها

پرسشنامه محقق‌ساخته شامل سه بخش اصلی:

۱. سنجش عوامل آسیب‌زا (مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای)؛
۲. سنجش سرمایه اجتماعی روحانیت (شبکه‌ها، اعتماد، هنجارها)؛
۳. اطلاعات جمعیت‌شناختی (سن، جنس، رشته تخصصی، مرتبه علمی).

اعتبار و پایایی

اعتبار^۱ گویه‌ها و سنجه‌ها به نحوه تعریف مفهوم مورد بررسی بستگی دارد. با وجود این، برای سنجش اعتبار پرسشنامه از اعتبار

1. validity

صوری استفاده شد و به همین منظور پرسشنامه برای تست نزد استادانی که در زمینه تحقیق صاحب‌نظر بودند فرستاده شد و بعد از تغییرات لازم، برای گرفتن ضریب پایایی^۱ پرسشنامه، در نمونه محدود^۲، به تعداد ۵۰ پرسشنامه، در جامعه آماری پخش شد و برای ارزیابی پایایی سنج‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که عوامل آسیب‌زای سرمایه اجتماعی روحانیت ۹۲ درصد و سرمایه اجتماعی ۹۴/۸ درصد است.

جدول ۱. شاخص‌های آسیب‌زای سرمایه اجتماعی روحانیون

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	گویه‌ها
اجتماعی		سوءاستفاده از قدرت
		فاصله با مردم
		ورود به مسائل اجرایی غیر ضروری
		ارتکاب اشتباه یا تخلف در بخشی از روحانیت مخصوصا وقتی که در مسئولیت هستند
شاخص‌های آسیب‌زا	فرهنگی، دینی و علمی	عدم پوشش مناسب در برخی از روحانیون
		وجود رقبای جدی برای حوزه و روحانیت
		عدم به‌روز بودن روحانیون
		عدم پاسخگویی قوی به شبهات در جامعه توسط روحانیت
		خودبرتربینی روحانیون
		فعالیت‌های رسانه‌ای دشمن علیه روحانیت
سیاسی		عدم انطباق با علوم جدید
		برخورد غیر منعطف یا خشن یا دلسوز نبودن روحانیون در محیط‌های کاری یا زندگی
		ناکارآمدی دولت‌ها و مسئولان اجرایی کشور با توجه به اسلامی بودن نظام
		عدم درک صحیح از مسائل سیاسی و شتاب‌زدگی در اظهارات بین روحانیت
اقتصادی		تلاش روحانیت برای به دست گرفتن قدرت سیاسی در کشور
		سبک زندگی اشرافی
		ورود روحانیت در حوزه‌هایی که تخصص ندارند مثل بانک‌ها و فدراسیون‌های ورزش پول‌ساز
		تلاش خیلی زیاد برای ثروتمند شدن
		عدم انفاق و کمک به دیگران

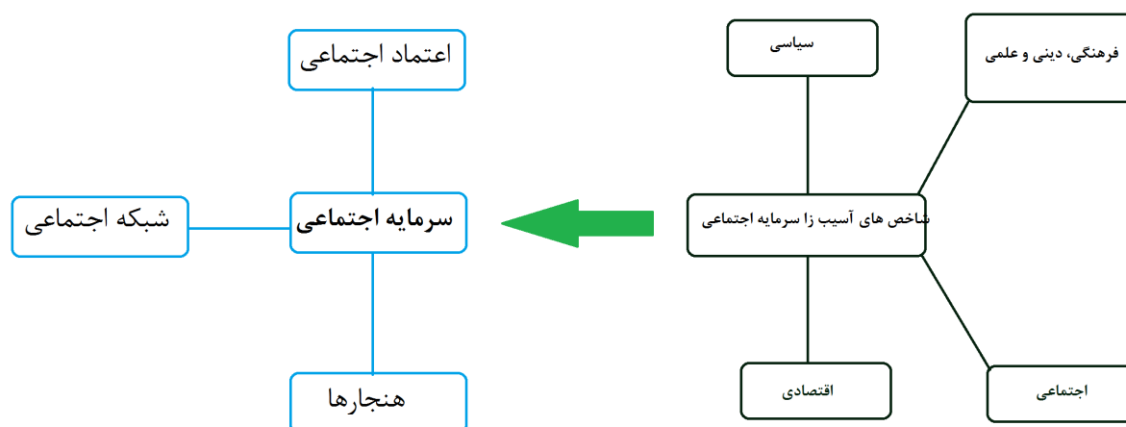
جدول ۲. شاخص‌های سرمایه اجتماعی روحانیون

متغیر	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	اعتماد اجتماعی
		اعتماد نهادی
	شبکه اجتماعی	اعتماد تعمیم‌یافته
		رسمی
هنجارها		غیر رسمی
		انسجام
		تعهد مدنی
		ارزش‌ها

1. reliability

2. pre test

مدل تحقیق



نمودار ۱. مدل تحقیق

در مدل تحقیق بالا، متغیر وابسته میزان سرمایه اجتماعی روحانیت و متغیر مستقل هم شاخص های آسیب زای سرمایه اجتماعی روحانیت است.

متغیر وابسته در این پژوهش سرمایه اجتماعی روحانیت است که به عنوان شاخصی کلیدی برای سنجش کیفیت روابط، اعتماد، و شبکه های تعاملی بین نهاد روحانیت و جامعه دانشگاهی (استادان) مورد بررسی قرار می گیرد. این متغیر وابسته تحت تأثیر متغیر مستقل (شاخص های آسیب زای سرمایه اجتماعی روحانیت شامل مؤلفه های اجتماعی، فرهنگی، دینی، سیاسی، اقتصادی) قرار دارد و میزان تغییرات آن بر اساس شدت تأثیر این عوامل تحلیل می شود. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی روحانیت به عنوان نتیجه ای که از تعامل این عوامل حاصل می شود در کانون پژوهش قرار دارد و بهبود یا تضعیف آن بازتابی از عملکرد متغیرهای مستقل به شمار می رود. در این مطالعه، سطوح مختلف سرمایه اجتماعی (کم، متوسط، زیاد) بر اساس دیدگاه استادان اندازه گیری شده است.

سرمایه اجتماعی روحانیت در این پژوهش به سه مؤلفه اصلی اشاره دارد:

۱. اعتماد (به نهاد روحانیت و کارکردهای آن)؛
 ۲. شبکه های ارتباطی (میزان و کیفیت تعاملات روحانیت با استادان)؛
 ۳. هنجارهای مشترک (اشتراکات ارزشی و رفتاری بین این دو گروه).
- تغییرات این متغیر وابسته نشان می دهد که چگونه عوامل مختلف (مستقل) می توانند بسترهای اعتمادسازی یا انفعال اجتماعی را ایجاد کنند.

فرضیه های تحقیق

- بین عوامل اجتماعی آسیب زای سرمایه اجتماعی روحانیت رابطه وجود دارد.
- بین عوامل فرهنگی، دینی، و علمی آسیب زای سرمایه اجتماعی روحانیت رابطه وجود دارد.
- بین عوامل سیاسی آسیب زای سرمایه اجتماعی روحانیت رابطه وجود دارد.
- بین عوامل اقتصادی آسیب زای سرمایه اجتماعی روحانیت رابطه وجود دارد.
- بین عوامل آسیب زای سرمایه اجتماعی روحانیت رابطه وجود دارد.

یافته‌ها تحقیق

جنسیت پاسخگویان

با توجه به جدول ۳ پاسخگویان ۳۲ درصد زن و ۶۸ درصد مرد بودند.

جدول ۳. جنسیت

		جنسیت			
		فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد معتبر تجمعی
مقدار	زن	۱۳۶	۳۱/۶	۳۱/۶	۳۱/۶
	مرد	۲۹۵	۶۸/۴	۶۸/۴	۱۰۰
	جمع	۴۳۱	۱۰۰	۱۰۰	

نام دانشگاه پاسخگویان

با توجه به جدول ۴ پاسخگویان ۳۵ درصد از دانشگاه تهران، ۴۲ درصد از دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۵ درصد از دانشگاه شهید بهشتی، و ۹ درصد از دانشگاه تربیت مدرس بودند.

جدول ۴. نام دانشگاه

		نام دانشگاه			
		فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد معتبر تجمعی
مقدار	تهران	۱۵۰	۳۴/۸	۳۴/۸	۳۴/۸
	علامه طباطبائی	۱۸۰	۴۱/۷	۴۱/۷	۷۶/۳
	تربیت مدرس	۳۷	۸/۶	۸/۶	۹۱/۳
	شهید بهشتی	۶۴	۱۴/۸	۱۴/۸	۱۰۰
	جمع	۴۳۱	۱۰۰	۱۰۰	

مرتبه علمی پاسخگویان

با توجه به جدول ۵، پاسخگویان ۱ درصد مربی، ۴۲ درصد استادیار، ۴۳ درصد دانشیار، و ۱۴ درصد استاد بودند.

جدول ۵. مرتبه علمی

		مرتبه علمی			
		فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد معتبر تجمعی
مقدار	مربی	۳	۰/۷	۰/۷	۰/۷
	استایار	۱۸۲	۴۲/۲	۴۲/۲	۴۲/۹
	دانشیار	۱۸۵	۴۲/۹	۴۲/۹	۸۵/۸
	استاد	۶۱	۱۴/۲	۱۴/۲	۱۰۰
	جمع	۴۳۱	۱۰۰	۱۰۰	

میزان سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان

با توجه به جدول ۶، بر اساس داده‌های ارائه‌شده، میزان سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان عمدتاً در سطح متوسط (۶۱٪) قرار دارد؛ درحالی‌که ۲۱ درصد آن را زیاد و ۱۹ درصد آن را کم ارزیابی کرده‌اند. این نتایج نشان می‌دهد اگرچه اکثریت استادان تعامل نسبتاً متوازی با روحانیت دارند، هنوز ظرفیت قابل توجهی برای بهبود این ارتباط از طریق گفت‌وگوهای علمی-دینی، کاهش تنش‌های سیاسی، و تقویت اعتماد متقابل وجود دارد؛ به‌ویژه توجه به دلایل کم‌اعتمادی ۱۹ درصد از استادان می‌تواند به ارتقای این سرمایه اجتماعی کمک کند.

جدول ۶. سرمایه اجتماعی				
سرمایه اجتماعی روحانیت				
	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد معتبر تجمعی
کم	۸۰	۱۸/۶	۱۸/۶	۱۸/۶
متوسط	۲۶۲	۶۰/۸	۶۰/۸	۷۶/۴
زیاد	۸۹	۲۰/۶	۲۰/۶	۱۰۰
جمع	۴۳۱	۱۰۰	۱۰۰	

میزان عوامل اجتماعی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت

با توجه به جدول ۷، بر اساس یافته‌ها، عوامل اجتماعی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت از دیدگاه استادان عمدتاً در سطح متوسط رو به بالا (۵۶٪) قرار دارد؛ درحالی‌که ۲۵ درصد این عوامل را بسیار تأثیرگذار و ۱۹ درصد کم‌تأثیر ارزیابی کرده‌اند. این نتایج نشان می‌دهد اگرچه آسیب‌های اجتماعی به صورت جدی سرمایه اجتماعی روحانیت را تهدید نمی‌کنند، وجود میزان قابل توجهی از عوامل آسیب‌زای متوسط (بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان) هشداردهنده است و نیاز به توجه ویژه دارد. تمرکز بر کاهش این عوامل متوسط می‌تواند از تشدید آن‌ها در آینده جلوگیری کند. چون ترکیب درصدهای متوسط و زیاد (در مجموع ۸۱ درصد) بیانگر آسیب‌پذیری نسبی این سرمایه اجتماعی است. شناسایی و مدیریت این عوامل، به‌ویژه در حوزه‌هایی که بیشترین تأثیر را دارند، می‌تواند به حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی روحانیت بین استادان کمک شایانی کند.

جدول ۷. عوامل اجتماعی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت				
عوامل اجتماعی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت				
	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد معتبر تجمعی
کم	۸۲	۱۹	۱۹	۱۹
متوسط	۲۴۳	۵۶/۴	۵۶/۴	۷۵/۴
زیاد	۱۰۶	۲۴/۶	۲۴/۶	۱۰۰
جمع	۴۳۱	۱۰۰	۱۰۰	

میزان عوامل فرهنگی، دینی، و علمی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت

با توجه به جدول ۸، بر اساس نتایج یافته‌ها، عوامل فرهنگی و دینی و علمی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت عمدتاً در سطح متوسط رو به بالا (۵۶٪) ارزیابی شده است؛ درحالی‌که ۲۴ درصد این عوامل را بسیار تأثیرگذار و ۲۰ درصد کم‌تأثیر دانسته‌اند. این نتایج نشان می‌دهد اگرچه تهدیدات جدی (۲۴٪) وجود دارد، بیشتر چالش‌ها در حد متوسط هستند که با مدیریت هدفمند قابل اصلاح‌اند. ترکیب درصدهای متوسط و زیاد (در مجموع ۸۰ درصد) بیانگر ضرورت توجه ویژه به این حوزه‌هاست. چون این عوامل می‌توانند در بلندمدت تأثیرات منفی بر جای بگذارند. برای تقویت سرمایه اجتماعی روحانیت، تمرکز بر کاهش عوامل آسیب‌زای متوسط و کنترل عوامل پرخطر همراه با تقویت نقاط قوت فرهنگی-دینی موجود راهکار مناسبی به نظر می‌رسد. این رویکرد می‌تواند ضمن جلوگیری از تشدید آسیب‌ها به تدریج فضای اعتماد و تعامل مثبت را گسترش دهد.

جدول ۸. عوامل فرهنگی، دینی، و علمی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت				
عوامل فرهنگی، دینی، و علمی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت				
	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد معتبر تجمعی
کم	۸۴	۱۹/۵	۱۹/۵	۱۹/۵
متوسط	۲۴۲	۵۶/۱	۵۶/۱	۷۵/۶
زیاد	۱۰۵	۲۴/۴	۲۴/۴	۱۰۰
جمع	۴۳۱	۱۰۰	۱۰۰	

میزان عوامل سیاسی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت

با توجه به جدول ۹، بر اساس یافته‌های پژوهش، عوامل سیاسی تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی روحانیت از دیدگاه استادان عمدتاً در سطح متوسط (۵۵٪) قرار دارد؛ درحالی‌که ۲۵ درصد این تأثیرات را زیاد و ۲۰ درصد کم ارزیابی کرده‌اند. این توزیع نشان‌دهنده آن است که اگرچه اکثریت استادان (۵۵٪) میزان آسیب‌زایی عوامل سیاسی را در حد متوسط می‌دانند، ترکیب درصدهای متوسط و زیاد (در مجموع ۸۰ درصد) حاکی از آن است که چالش‌های سیاسی تأثیر قابل توجهی بر سرمایه اجتماعی روحانیت دارند. این یافته‌ها بر ضرورت مدیریت هوشمندانه روابط سیاسی و کاهش تنش‌های احتمالی تأکید دارد. چون حتی سطح متوسط این عوامل نیز می‌تواند در بلندمدت تأثیرات منفی بر جای بگذارد. توجه ویژه به این حوزه و اتخاذ راهکارهای مناسب می‌تواند از تشدید آسیب‌ها جلوگیری و به حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی روحانیت کمک کند.

جدول ۹. عوامل سیاسی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت

عوامل سیاسی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت				
درصد معتبر تجمعی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	
۲۰	۲۰	۲۰	۸۶	کم
۷۴/۹	۵۵	۵۵	۲۳۷	متوسط
۱۰۰	۲۵/۱	۲۵/۱	۱۰۸	زیاد
	۱۰۰	۱۰۰	۴۳۱	جمع

میزان عوامل اقتصادی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت

با توجه به جدول ۱۰، یافته‌ها نشان می‌دهد، عوامل اقتصادی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت از دیدگاه استادان عمدتاً در سطح متوسط رو به بالا (۵۲٪) قرار دارد؛ درحالی‌که ۲۱ درصد این عوامل را بسیار تأثیرگذار و ۲۷ درصد کم‌تأثیر ارزیابی کرده‌اند. این توزیع نشان‌دهنده تأثیر محسوس چالش‌های اقتصادی است که ۷۳ درصد استادان (ترکیب سطوح متوسط و زیاد) آن را تا حدی آسیب‌زا می‌دانند. اگرچه ۲۷ درصد استادان این تأثیرات را ناچیز می‌پندارند، غلبه دیدگاه‌های متوسط و زیاد بر ضرورت مدیریت هوشمندانه این عوامل و پیشگیری از تشدید آن‌ها در آینده تأکید دارد. این نتایج لزوم توجه ویژه به سیاستگذاری‌های اقتصادی مؤثر برای حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی روحانیت را برجسته می‌سازد.

جدول ۱۰. عوامل اقتصادی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت

عوامل اقتصادی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت				
درصد معتبر تجمعی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	
۲۶/۹	۲۶/۹	۲۶/۹	۱۱۶	کم
۷۸/۹	۵۲	۵۲	۲۳۴	متوسط
۱۰۰	۲۱/۱	۲۱/۱	۹۱	زیاد
	۱۰۰	۱۰۰	۴۳۱	جمع

میزان عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت

با توجه به جدول ۱۱، بر اساس یافته‌های پژوهش، عوامل آسیب‌زای اجتماعی بر سرمایه اجتماعی روحانیت از دیدگاه استادان عمدتاً در سطح متوسط رو به بالا (۶۳٪) قرار دارد؛ درحالی‌که ۲۰ درصد این عوامل را بسیار تأثیرگذار و ۱۷ درصد کم‌تأثیر ارزیابی کرده‌اند. این توزیع نشان‌دهنده آن است که اگرچه آسیب‌های شدید (۲۰٪) نگران‌کننده هستند، چالش اصلی در حجم قابل توجه عوامل متوسط (۶۳٪) نهفته است که در صورت بی‌توجهی می‌توانند به تهدیدات جدی‌تری تبدیل شوند. نکته امیدوارکننده وجود ۱۷ درصد دیدگاه‌های کم‌تأثیر است که نشان می‌دهد در برخی حوزه‌ها یا برای برخی گروه‌ها این چالش‌ها کمتر احساس می‌شود. این یافته‌ها بر ضرورت مدیریت هوشمندانه و برنامه‌ریزی هدفمند برای کاهش تدریجی عوامل آسیب‌زای

متوسط و جلوگیری از تشدید آن‌ها تأکید دارد. چون ترکیب سطوح متوسط و زیاد (در مجموع ۸۳ درصد) بیانگر آسیب‌پذیری نسبی سرمایه اجتماعی روحانیت در بین جامعه‌ی استادان است.

غفلت از مدیریت این عوامل آسیب‌زای اجتماعی، به‌ویژه آن دسته که در سطح متوسط (۶۳٪) ارزیابی شده‌اند می‌تواند به تدریج منجر به فرسایش سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان شود. این بی‌توجهی سه پیامد عمده دارد: ۱. تشدید آسیب‌ها: عوامل متوسط در بلندمدت ممکن است به سطح «زیاد» (۲۰٪ فعلی) ارتقا یابند و شکاف‌های اجتماعی را عمیق‌تر کنند؛ ۲. کاهش اعتماد: تضعیف تدریجی تعاملات مثبت بین روحانیت و استادان می‌تواند به بی‌اعتمادی ساختاری بین این دو نهاد تأثیرگذار منجر شود؛ ۳. تخریب هویت جمعی: اگر این چالش‌ها به‌ویژه در ابعاد فرهنگی-دینی (که پیش‌تر متوسط رو به بالا ارزیابی شد) مدیریت نشود، ممکن است همگرایی اجتماعی را تضعیف و گسست ارزشی ایجاد کند. در نتیجه، مدیریت پیشگیرانه این عوامل (حتی آن‌هایی که اکنون متوسط تلقی می‌شوند) برای حفظ پویایی سرمایه اجتماعی روحانیت ضروری است.

جدول ۱۱. عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت

عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت				
درصد معتبر تجمعی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	
۱۶/۷	۱۶/۷	۱۶/۷	۷۲	کم
۷۹/۶	۶۲/۹	۶۲/۹	۲۷۱	متوسط
۱۰۰	۲۰/۴	۲۰/۴	۸۸	زیاد
	۱۰۰	۱۰۰	۴۳۱	جمع

عوامل اجتماعی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت

با توجه به جدول ۱۲، بیشترین میزان سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان به گروهی تعلق دارد که عوامل اجتماعی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت در حد کم است (میزان سرمایه اجتماعی: ۲ درصد کم، ۵۴ درصد متوسط، ۴۴ درصد زیاد). کمترین میزان سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان به افرادی هستند که عوامل اجتماعی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت در حد زیاد است (میزان سرمایه اجتماعی: ۳۷ درصد کم، ۵۵ درصد متوسط، ۹ درصد زیاد). آمار نشان می‌دهد هر قدر عوامل اجتماعی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت بیشتر شود سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان دانشگاهی کاهش می‌یابد.

جدول ۱۲. آسیب‌های بخش اجتماعی و سرمایه اجتماعی روحانیت

آسیب‌های بخش اجتماعی و سرمایه اجتماعی روحانیت				
جمع	سرمایه اجتماعی روحانیت			
	زیاد	متوسط	کم	
۱۰۰٪	۴۳٪/۹	۵۳٪/۷	۲٪/۴	کم
۱۰۰٪	۱۸٪/۱	۶۵٪/۸	۱۶٪	متوسط
۱۰۰٪	۸٪/۵	۵۴٪/۷	۳۶٪/۸	زیاد
۱۰۰٪	۲۰٪/۶	۶۰٪/۸	۱۸٪/۶	جمع

- فرضیه اول: بین عوامل اجتماعی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت رابطه وجود دارد.

نتایج به‌دست‌آمده از اجرای آزمون همبستگی اسپیرمن در جدول ۱۳ نشان می‌دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یادشده رقمی معادل با $p = -0.362$ است و شدت همبستگی در حد متوسط و معکوس و سطح اعتبار حاصله برابر با $p = 0.000$ است. با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار به‌دست‌آمده از مقدار 0.05 کوچک‌تر است می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه اصلی تأیید و فرض صفر آن رد می‌شود. به عبارت دیگر عوامل اجتماعی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان دانشگاهی رابطه معکوس دارد.

جدول ۱۳. آزمون همبستگی عوامل اجتماعی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت

عوامل اجتماعی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت			
عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت	بخش اجتماعی	سرمایه اجتماعی روحانیت	عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت
۱	۰/۳۶۲	شدت اسپیرمن	عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت
	۰/۰۰۰	سطح اعتبار	اجتماعی روحانیت بخش
۴۳۱	۴۳۱	تعداد	اجتماعی

عوامل فرهنگی، دینی، و علمی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت

با توجه به جدول ۱۴، بیشترین میزان سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان به گروهی تعلق دارد که عوامل فرهنگی، دینی، و علمی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت در حد کم است (میزان سرمایه اجتماعی: ۲ درصد کم، ۴۶ درصد متوسط، ۵۱ درصد زیاد). کمترین میزان سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان به افرادی هستند که عوامل فرهنگی، دینی، و علمی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت در حد زیاد است (میزان سرمایه اجتماعی: ۳۰ درصد کم، ۵۸ درصد متوسط، ۱۲ درصد زیاد). آمار نشان می‌دهد هر قدر عوامل فرهنگی، دینی، و علمی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت بیشتر شود سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان دانشگاهی کاهش می‌یابد.

جدول ۱۴. آسیب‌های بخش فرهنگی، دینی، علمی و سرمایه اجتماعی روحانیت

آسیب‌های بخش فرهنگی، دینی، علمی و سرمایه اجتماعی روحانیت				
جمع	سرمایه اجتماعی روحانیت			
	کم	متوسط	زیاد	
۱۰۰٪	۲٪/۴	۴۶٪/۹	۵۱٪/۲	آسیب‌های بخش فرهنگی،
۱۰۰٪	۱۹٪/۴	۶۶٪/۹	۱۳٪/۶	متوسط
۱۰۰٪	۲۹٪/۵	۵۸٪/۱	۱۲٪/۴	دینی، علمی
۱۰۰٪	۱۸٪/۶	۶۰٪/۸	۲۰٪/۶	جمع

– فرضیه دوم: بین عوامل فرهنگی، دینی، و علمی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت رابطه وجود دارد.

نتایج به‌دست‌آمده از اجرای آزمون همبستگی اسپیرمن در جدول ۱۵ نشان می‌دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یادشده رقمی معادل با $p=-0.330$ است. شدت همبستگی در حد متوسط و معکوس و سطح اعتبار حاصله برابر با $p=0.000$ است. با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار به‌دست‌آمده از مقدار 0.05 کوچک‌تر است می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه اصلی تأیید و فرض صفر آن رد می‌شود. به عبارت دیگر عوامل فرهنگی، دینی، و علمی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان دانشگاهی رابطه معکوس دارد.

جدول ۱۵. آزمون همبستگی عوامل فرهنگی، دینی، علمی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت

عوامل فرهنگی، دینی، علمی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت			
عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت	بخش فرهنگی، دینی، علمی	سرمایه اجتماعی روحانیت	عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت
۱	۰/۳۳۰	شدت اسپیرمن	عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت
	۰/۰۰۰	سطح اعتبار	اجتماعی روحانیت بخش
۴۳۱	۴۳۱	تعداد	فرهنگی، دینی، علمی

عوامل سیاسی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت

با توجه به جدول ۱۶، بیشترین میزان سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان به گروهی تعلق دارد که عوامل سیاسی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت در حد کم است (میزان سرمایه اجتماعی: ۴ درصد کم، ۳۸ درصد متوسط و ۵۸ درصد زیاد). کمترین میزان سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان، به افرادی هستند که عوامل سیاسی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت در حد زیاد است (میزان سرمایه اجتماعی: ۴۴ درصد کم، ۴۹ درصد متوسط و ۷ درصد زیاد). آمار نشان می‌دهد هرچقدر عوامل سیاسی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت بیشتر شود سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان دانشگاهی کاهش می‌یابد و نکته دیگر این هست که میزان آسیب بخش سیاسی بیشتر از بخش اجتماعی و فرهنگی، دینی و علمی است.

جدول ۱۶. آسیب‌های بخش سیاسی و سرمایه اجتماعی روحانیت

آسیب‌های بخش سیاسی و سرمایه اجتماعی روحانیت					
جمع	سرمایه اجتماعی روحانیت				
	زیاد	متوسط	کم		
۱۰۰٪	۵۸٪/۱	۳۸٪/۴	۳٪/۵	کم	آسیب‌های بخش سیاسی
۱۰۰٪	۱۳٪/۱	۷۴٪/۳	۱۲٪/۷	متوسط	
۱۰۰٪	۷٪/۴	۴۹٪/۱	۴۳٪/۵	زیاد	
۱۰۰٪	۲۰٪/۶	۶۰٪/۸	۱۸٪/۶	جمع	

– فرضیه سوم: بین عوامل سیاسی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت رابطه وجود دارد.

نتایج به‌دست‌آمده از اجرای آزمون همبستگی اسپیرمن در جدول ۱۷ نشان می‌دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یادشده رقمی معادل با $p=-0.477$ است. شدت همبستگی در حد متوسط رو به بالا و معکوس و سطح اعتبار حاصله برابر با $p=0.000$ است. با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار به‌دست‌آمده از مقدار 0.05 کوچک‌تر است می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه اصلی تأیید و فرض صفر آن رد می‌شود. به عبارت دیگر عوامل سیاسی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان دانشگاهی رابطه معکوس دارد و نکته دیگر این است که شدت آسیب بخش سیاسی بیشتر از بخش اجتماعی و فرهنگی و دینی و علمی است.

جدول ۱۷. آزمون همبستگی عوامل سیاسی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت

عوامل سیاسی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت			
سرمایه اجتماعی روحانیت		عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت	
		بخش سیاسی	
عوامل آسیب‌زا بر سرمایه	شدت اسپیرمن	۱	
اجتماعی روحانیت بخش	سطح اعتبار		
سیاسی	تعداد	۴۳۱	

عوامل اقتصادی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت

با توجه به جدول ۱۸، بیشترین میزان سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان به گروهی تعلق دارد که عوامل اقتصادی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت در حد کم است (میزان سرمایه اجتماعی: ۴ درصد کم، ۵۱ درصد متوسط، ۴۵ درصد زیاد). کمترین میزان سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان به افرادی هستند که عوامل اقتصادی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت در حد زیاد است (میزان سرمایه اجتماعی: ۴۰ درصد کم، ۵۲ درصد متوسط، ۹ درصد زیاد). آمار نشان می‌دهد هر قدر عوامل اقتصادی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت بیشتر شود سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان دانشگاهی کاهش می‌یابد و نکته دیگر این است که میزان آسیب بخش اقتصادی بیشتر از بخش اجتماعی و فرهنگی، دینی، و علمی و کمتر از بخش سیاسی است.

جدول ۱۸. آسیب‌های بخش اقتصادی و سرمایه اجتماعی روحانیت

		سرمایه اجتماعی روحانیت			جمع
		کم	متوسط	زیاد	
آسیب‌های بخش اقتصادی	کم	۴٪/۳	۵۰٪/۹	۴۴٪/۸	۱۰۰٪
	متوسط	۱۷٪/۴	۶۹٪/۶	۱۲٪/۹	۱۰۰٪
	زیاد	۳۹٪/۶	۵۱٪/۶	۸٪/۸	۱۰۰٪
جمع		۱۸٪/۶	۶۰٪/۸	۲۰٪/۶	۱۰۰٪

– فرضیه چهارم: بین عوامل اقتصادی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت رابطه وجود دارد.

نتایج به‌دست‌آمده از اجرای آزمون همبستگی اسپیرمن در جدول ۱۹ نشان می‌دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یادشده رقمی معادل با $p=-0.402$ است. شدت همبستگی در حد متوسط رو به بالا و معکوس و سطح اعتبار حاصله برابر با $p=0.000$ است. با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار به‌دست‌آمده از مقدار 0.05 کوچک‌تر است می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه اصلی تأیید و فرض صفر آن رد می‌شود. به عبارت دیگر عوامل اقتصادی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان دانشگاهی رابطه معکوس دارد و نکته دیگر این است که شدت آسیب بخش اقتصادی بیشتر از بخش اجتماعی و فرهنگی، دینی، علمی و کمتر از بخش سیاسی است.

جدول ۱۹. آزمون همبستگی عوامل اقتصادی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت

عوامل اقتصادی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت			
عوامل اقتصادی آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت	سرمایه اجتماعی روحانیت		
۱	-۰/۴۰۲	شدت اسپیرمن	عوامل اقتصادی آسیب‌زا
	۰/۰۰۰	سطح اعتبار	بر سرمایه اجتماعی روحانیت
۴۳۱	۴۳۱	تعداد	

عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت

با توجه به جدول ۲۰، بیشترین میزان سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان به گروهی تعلق دارد که عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت در حد کم است (میزان سرمایه اجتماعی: ۳ درصد کم، ۵۵ درصد متوسط، ۴۲ درصد زیاد). کمترین میزان سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان به افرادی هستند که عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت در حد زیاد است (میزان سرمایه اجتماعی: ۳۶ درصد کم، ۵۴ درصد متوسط، ۱۰ درصد زیاد). آمار نشان می‌دهد هر قدر عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت بیشتر شود سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان دانشگاهی کاهش می‌یابد.

جدول ۲۰. عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت

		سرمایه اجتماعی روحانیت			جمع
		کم	متوسط	زیاد	
آسیب‌ها بخش اجتماعی	کم	۳٪/۳	۵۵٪	۴۱٪/۷	۱۰۰٪
	متوسط	۱۵٪/۵	۶۸٪/۶	۱۳٪/۹	۱۰۰٪
	زیاد	۳۵٪/۹	۵۳٪/۸	۱۰٪/۳	۱۰۰٪
جمع		۱۸٪/۶	۶۰٪/۸	۲۰٪/۶	۱۰۰٪

- فرضیه پنجم: بین عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت رابطه وجود دارد.

نتایج به‌دست‌آمده از اجرای آزمون همبستگی اسپیرمن در جدول ۲۱ نشان می‌دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یادشده رقمی معادل با $p=-0.380$ است. شدت همبستگی در حد متوسط و معکوس و سطح اعتبار حاصله برابر با $p=0.000$ است. با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار به‌دست‌آمده از مقدار 0.05 کوچک‌تر است می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه اصلی تأیید و فرض صفر آن رد می‌شود. به عبارت دیگر عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت در بین استادان دانشگاهی رابطه معکوس دارد.

جدول ۲۱. آزمون همبستگی عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت

عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت			
سرمایه اجتماعی روحانیت		عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت	
عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت	شدت اسپیرمن	سرمایه اجتماعی روحانیت	عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت
۱	-۰/۳۸۰	۰/۰۰۰	۱
۴۳۱	۴۳۱	تعداد	۴۳۱

نتیجه

این پژوهش با واکاوی نظام‌مند رابطه بین عوامل آسیب‌زا و سرمایه اجتماعی روحانیت در میان استادان دانشگاه به یافته‌های قابل تأملی دست یافته است که از چند منظر حائز اهمیت است. در یک نگاه کلی، داده‌ها به‌وضوح نشان می‌دهند بین شدت عوامل آسیب‌زا و سطح سرمایه اجتماعی روحانیت رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه میزان این عوامل در هر یک از حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، دینی، علمی، سیاسی، و اقتصادی بیشتر باشد از میزان سرمایه اجتماعی روحانیت نزد استادان دانشگاهی کاسته می‌شود. این الگو به صورت سیستماتیک در تمامی حوزه‌های مورد بررسی تکرار شده است، اما با شدت و ضعف متفاوت.

در حوزه اجتماعی شاهد آن هستیم که در شرایط کم‌آسیب سرمایه اجتماعی روحانیت در سطح مطلوبی قرار دارد (۴۴ درصد در سطح زیاد). این در حالی است که با افزایش عوامل آسیب‌زا این شاخص به طرز محسوسی کاهش می‌یابد (به ۹ درصد در سطح زیاد). این یافته از آن جهت مهم است که نشان می‌دهد حتی در میان قشر دانشگاهی که عموماً نگاهی تحلیلی‌تر به مسائل دارند تصویر اجتماعی روحانیت از حساسیت بالایی برخوردار است. به نظر می‌رسد عوامل اجتماعی آسیب‌زا، که احتمالاً شامل مواردی مانند فاصله گرفتن روحانیت از بدنه جامعه یا ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای اجتماعی روز می‌شود، می‌تواند به سرعت بر سرمایه اجتماعی این نهاد تأثیر بگذارد.

جالب توجه‌تر آنکه در حوزه سیاسی این تأثیر با شدت بیشتری مشاهده می‌شود. داده‌ها نشان می‌دهند در شرایطی که عوامل سیاسی آسیب‌زا در حداقل میزان خود قرار دارند ۵۸ درصد استادان سرمایه اجتماعی روحانیت را در سطح زیاد ارزیابی می‌کنند. اما این رقم در شرایط پرآسیب به ۷ درصد کاهش می‌یابد. این شکاف ۵۱ درصدی به‌خوبی گویای حساسیت ویژه مسائل سیاسی است. به نظر می‌رسد ورود روحانیت به عرصه سیاسی، به‌ویژه وقتی با چالش‌هایی همراه شود، می‌تواند هزینه سنگینی بر سرمایه اجتماعی این نهاد تحمیل کند. این یافته با نظریه‌های جامعه‌شناسی سیاسی که بر اهمیت حفظ تعادل میان نهادهای مذهبی و سیاسی تأکید دارند همخوانی کامل دارد.

در حوزه اقتصادی نیز اگرچه الگوی کلی مشابه دو حوزه دیگر است، شدت تأثیر عوامل آسیب‌زا در میانه این طیف قرار می‌گیرد. مقایسه اعداد نشان می‌دهد آسیب‌های اقتصادی (احتمالاً مواردی مانند وابستگی مالی، فعالیت‌های اقتصادی نامتناسب، شبهات مالی) تأثیر محسوسی بر سرمایه اجتماعی روحانیت دارد. اما این تأثیر از حوزه سیاسی کمتر و از حوزه اجتماعی بیشتر است. این تفاوت‌ها احتمالاً ناشی از این واقعیت است که در فرهنگ عمومی انتظارات خاصی از نهادهای مذهبی در زمینه مسائل اقتصادی وجود دارد و هر گونه انحراف از این انتظارات می‌تواند به سرعت بر اعتماد عمومی تأثیر بگذارد.

از منظر رتبه‌بندی یافته‌ها به‌وضوح نشان می‌دهند حوزه سیاسی بیشترین آسیب‌پذیری را دارد (با اختلاف ۵۱ درصدی بین گروه‌های کم‌آسیب و پرآسیب). پس از آن حوزه اقتصادی (۴۱ درصد اختلاف) و در نهایت حوزه اجتماعی (۳۵ درصد اختلاف) قرار می‌گیرند. این سلسله مراتب از آن جهت حائز اهمیت است که نشان می‌دهد استادان دانشگاه به عنوان قشری آگاه و تحلیل‌گر بیشترین حساسیت را به مسائل سیاسی دارند. شاید بتوان این یافته را این‌گونه تفسیر کرد که در میان نخبگان دانشگاهی هر گونه اقدام سیاسی روحانیت که خارج از چارچوب‌های پذیرفته‌شده یا همراه با چالش باشد می‌تواند به سرعت بر سرمایه اجتماعی این نهاد تأثیر منفی بگذارد.

یافته‌های پژوهش در حوزه فرهنگی، دینی، و علمی حاکی از الگویی مشابه ولی متمایز نسبت به سایر حوزه‌هاست. در این بخش، زمانی که عوامل آسیب‌زا در حداقل میزان خود قرار دارند شاهد بیشترین سطح سرمایه اجتماعی روحانیت هستیم (۵۱ درصد در سطح زیاد). این رقم در شرایط پرآسیب به ۱۲ درصد کاهش می‌یابد که نشان‌دهنده یک افت ۳۹ درصدی است. چند نکته کلیدی در این یافته‌ها قابل تأمل است:

نخست آنکه حوزه فرهنگی، دینی، و علمی از یک ویژگی دوگانه برخوردار است. از یک سو در شرایط مطلوب (کم‌آسیب) بالاترین سطح سرمایه اجتماعی را در بین تمام حوزه‌ها به خود اختصاص می‌دهد (۵۱ درصد در سطح زیاد در مقایسه با ۵۸ درصد در حوزه سیاسی و ۴۴ درصد در حوزه اجتماعی). این نشان می‌دهد که وقتی روحانیت در این حوزه‌ها عملکرد مثبتی دارد می‌تواند بیشترین اعتماد و سرمایه اجتماعی را در بین استادان دانشگاهی کسب کند. به عبارت دیگر، استادان دانشگاه به عنوان قشر فرهیخته بیشترین حساسیت و توجه را به کارکردهای فرهنگی و دینی و علمی روحانیت نشان می‌دهند.

از سوی دیگر، در شرایط پرآسیب، اگرچه کاهش سرمایه اجتماعی محسوس است (۱۲ درصد در سطح زیاد)، این کاهش نسبت به حوزه سیاسی (۷٪) شدت کمتری دارد. این یافته نشان می‌دهد که هرچند عملکرد ضعیف روحانیت در حوزه‌های فرهنگی، دینی، و علمی می‌تواند به اعتبار آن آسیب بزند، این آسیب نسبت به حوزه‌های سیاسی کمتر جبران‌ناپذیر است. شاید بتوان این امر را به این واقعیت نسبت داد که استادان دانشگاه انتظارات متفاوتی از روحانیت در حوزه‌های مختلف دارند و ضعف در حوزه فرهنگی را با سختگیری کمتری نسبت به حوزه سیاسی ارزیابی می‌کنند.

تفاوت دیگر این حوزه با سایر بخش‌ها در توزیع پاسخ‌ها در سطح متوسط است. در شرایط پرآسیب، ۵۸ درصد پاسخ‌ها در سطح متوسط قرار می‌گیرند که بالاترین رقم در بین تمام حوزه‌هاست. این نشان می‌دهد که حتی در شرایطی که عوامل آسیب‌زا در حوزه فرهنگی، دینی، و علمی زیاد هستند استادان دانشگاه تمایل دارند ارزیابی خود را در سطح متوسط نگه دارند، نه اینکه به سطوح پایین سقوط کند. این یافته ممکن است بیانگر آن باشد که استادان دانشگاه برای حوزه‌های فرهنگی و علمی روحانیت یک «اعتبار ذاتی» قائل هستند که به سادگی از بین نمی‌رود.

در یک جمع‌بندی کلان، می‌توان گفت حوزه فرهنگی، دینی، و علمی برای روحانیت هم فرصت است هم چالش. از یک طرف، عملکرد خوب در این حوزه‌ها می‌تواند به عنوان یک مزیت رقابتی عمل کند و بالاترین سطح سرمایه اجتماعی را ایجاد کند. از طرف دیگر، هر گونه ضعف در این حوزه‌ها می‌تواند به سرعت بر تصویر روحانیت نزد قشر دانشگاهی تأثیر بگذارد، اگرچه این تأثیر به اندازه حوزه سیاسی ویرانگر نیست. این یافته‌ها بر اهمیت سرمایه‌گذاری روحانیت در حوزه‌های فرهنگی، علمی، و دینی به‌ویژه در تعامل با جامعه دانشگاهی تأکید می‌کند.

در یک جمع‌بندی کلان، این پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی روحانیت در میان استادان دانشگاهی پدیده‌ای شکننده و چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. در این میان، حوزه سیاسی از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است که نیازمند مدیریت هوشمندانه است. از سوی دیگر، اگرچه حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی آسیب‌پذیری کمتری نشان می‌دهند، همچنان نیاز به توجه و برنامه‌ریزی دارند. این یافته‌ها برای نهادهای مذهبی و سیاست‌گذاران فرهنگی می‌تواند به عنوان نقشه راهی برای حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی روحانیت در میان قشر دانشگاهی و به تبع آن در سطح جامعه عمل کند.

محدودیت‌های پژوهش

- این مطالعه بر اساس پرسش‌نامه و خوداظهاری بود و ممکن است تحت تأثیر سوگیری پاسخ‌دهندگان قرار گرفته باشد.
- نمونه پژوهش محدود به استادان دانشگاه بود و تعمیم آن به سایر اقشار نیازمند بررسی بیشتر است.

پیشنهادهای کاربردی در حوزه دانشگاهی برای ارتقای سرمایه اجتماعی روحانیت

۱. طرح گفت‌وگوی ساختاریافته استادان و روحانیون
 - ایجاد کرسی‌های منظم بحث و تبادل نظر بین استادان دانشگاه و علما
 - برگزاری جلسات ماهیانه در دانشگاه‌های بزرگ کشور
 - انتخاب موضوعات چالشی روز (مثل علم، دین، اخلاق زیستی)
 - دعوت از روحانیون صاحب‌نظر و استادان متخصص
۲. تأسیس کانون‌های علمی-دینی در دانشگاه‌ها
 - برگزاری نشست‌های تخصصی
 - تولید محتوای علمی
 - پاسخ به شبهات دانشجویی
۳. طرح پژوهشی مشترک حوزه و دانشگاه
 - تعریف موضوعات تحقیقاتی مشترک
 - محورهای پژوهشی: رابطه علم و دین، اخلاق حرفه‌ای، جامعه‌شناسی دین
۴. بسته‌های آموزشی ویژه استادان
 - تهیه محتوای علمی-دینی برای استادان
 - پاسخ به شبهات رایج در محیط‌های آکادمیک
 - روش‌های تعامل علمی با نقدهای دینی
 - آشنایی با نظام استنباط فقهی
۵. نظام رتبه‌بندی تعاملات علمی-دینی
 - اقدام: طراحی شاخص‌های ارزیابی از استادان و روحانیون در دانشگاه
 - میزان مشارکت در برنامه‌های مشترک
 - تولیدات علمی مشترک
 - کیفیت تعاملات فکری
 - نهاد نظارت: وزارت علوم + مرکز مدیریت حوزه

نکات کلیدی اجرایی

۱. اولویت‌بندی: شروع از دانشگاه‌های بزرگ و تأثیرگذار
 ۲. گام‌بندی: اجرای آزمایشی در ۵ دانشگاه برتر
 ۳. ارزیابی: نظرسنجی مستمر از استادان و دانشجویان
 ۴. تداوم: تبدیل به برنامه‌های مستمر دانشگاهی
- این پیشنهادها با استفاده از ظرفیت‌های موجود دانشگاهی و حداقل نیاز به منابع جدید طراحی شده‌اند و می‌توانند در کوتاه‌مدت تأثیر محسوسی بر بهبود تصویر روحانیت در محیط‌های آکادمیک داشته باشند.

پیشنهادهای برای تحقیقات آینده

- بررسی علل زمینه‌ای تأثیر شدیدتر عوامل سیاسی در مقایسه با سایر حوزه‌ها.
- مطالعه تطبیقی روی سایر گروه‌های اجتماعی (مثل دانشجویان یا عموم مردم) برای سنجش تفاوت‌ها.
- پژوهش‌های کیفی برای درک مکانیسم‌های دقیق تأثیر عوامل آسیب‌زا بر سرمایه اجتماعی روحانیت.

جمع‌بندی نهایی

این پژوهش نشان داد عوامل آسیب‌زا در تمام حوزه‌ها (به‌ویژه سیاسی) تأثیر منفی بر سرمایه اجتماعی روحانیت دارند. برای حفظ و ارتقای این سرمایه، مدیریت هوشمندانه عوامل سیاسی و اقتصادی در اولویت قرار گیرد. تحقیقات آینده می‌توانند با تمرکز بر راهکارهای کاهش این آسیب‌ها گام‌های مؤثری در این زمینه بردارند.

تعارض منافع

این مقاله فاقد تعارض منافع است.

منابع مالی

این مقاله فاقد منابع مالی بود.

تقدیر و تشکر

از کسانی که در بهبود کیفیت مقاله یاری رسانده‌اند تشکر می‌شود.

منابع

- آجودانی، ماشاءالله. (۱۳۸۲). *مشروطه ایرانی*. تهران: نشر اختران.
- بشیری، حسین. (۱۳۸۲). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران: دوره جمهوری اسلامی ایران (چاپ دوم). تهران: نشر نگاه معاصر. پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰). بولینگ تنها: فروپاشی و احیای سرمایه اجتماعی آمریکا. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: نشر کویر. پاتنام، رابرت دی.، لئوناردی، رابرت، و نانتی، رافائلا ی. (۱۳۸۴). دموکراسی و سنت‌های مدنی: سرمایه اجتماعی در زندگی عمومی. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: نشر سلام. تاجبخش، کیان (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی، و توسعه*. تهران: نشر شیرازه.
- توسلی، غلامعباس، و موسوی، مرضیه. (۱۳۸۴). مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی. نامه علوم اجتماعی، ۱۱ (۴ (پیاپی ۲۶))، ۳۲-۱. <https://sid.ir/paper/fa423212SID>. روح‌الله. (۱۳۶۱). صحیفه نور (جلد ...). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سروش، عبدالکریم. (۱۳۶۷). *تفسیر قرآن کریم*. تهران: انتشارات صراط.
- طباطبایی، سید جواد. (۱۳۸۵). *مکتب در فرایند تکامل: نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین*. تهران: نشر کویر.
- عبدالله‌خانی، علی. (۱۳۹۰). *سرمایه اجتماعی در ایران*. تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فوران، جان. (۱۳۷۷). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی*. مترجم: احمد تدین. تهران: نشر رسا.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹). *پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن*. مترجم: غلامعباس توسلی. تهران: نشر جامعه ایرانیان.
- کدی، نیکی. (۱۳۷۵). *ریشه‌های انقلاب ایران*. مترجم: عبدالرحیم گواهی. تهران: نشر قلم.
- گلزاری، محمود. (۱۳۸۰). *تحولات آموزش عالی در ایران*. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی*. مترجم: منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷). *علل گرایش به مادی‌گری*. تهران: نشر صدرا.
- مفتح، محمد. (۱۳۵۸). *مقالات اسلامی*. قم: انتشارات بعثت.
- Abdollahkhani, A. (2011). *Social Capital in Iran*. Institute for Strategic Research Publishing. (in Persian)
- Abrahamian, E. (1982). *Iran Between Two Revolutions*. Princeton University Press.
- Ajoudani, M. (2003). *Iranian Constitutionalism*. Akhtaran Publishing. (in Persian)
- Algar, H. (1969). *Religion and State in Iran*. University of California Press.
- Arjomand, S. A. (1984). *The Shadow of God and the Hidden Imam*. University of Chicago Press.
- Bashiriyeh, H. (2003). *An Introduction to the Political Sociology of Iran*. Naghsh-e Moaser Publishing. (in Persian)
- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for the sociology of education* (pp. 241-258). New York: Greenwood.
- Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology*, 94, S95-S120.
- Evans, W. R. & Carson, C. M (2005), "A Social Capital Explanation of the Relationship between Functional Diversity and Group Performance", *Team Performance Management*, 7-8.
- Foran, J. (1998). *Fragile Resistance* (A. Tadayon, Trans.). Rasa Publishing.
- Fukuyama, F. (2000). *The End of Order* (G. Tavassoli, Trans.). Iranian Society Publishing. (in Persian)
- Giddens, A. (2006). *Sociology* (M. Sabouri, Trans.). Ney Publishing.
- Golzari, M. (2001). *Developments in Higher Education in Iran*. Institute for Cultural and Social Studies. (in Persian)
- Keddie, N. (1996). *Roots of the Iranian Revolution* (A. R. Gowahi, Trans.). Ghalam Publishing. (in Persian)
- Khomeini, R. (1982). *Sahifeh-ye Noor*. Ministry of Culture and Islamic Guidance. (in Persian)
- Leonard, M. (2004). Bonding and bridging social capital: Reflections from Belfast. *Sociology*, 38(5), 927-944.
- Mofatteh, M. (1979). *Islamic Essays*. Besat Publishing.
- Motahhari, M. (1978). *Causes of the Tendency Toward Materialism*. Sadra Publishing. (in Persian)
- Putnam, R. (2001). *Bowling Alone* (M. T. Delforouz, Trans.). Kavir Publishing.
- (2005). *Democracy and Civic Traditions* (M. T. Delforouz, Trans.). Tehran: Salam Newspaper Publishing.
- Putnam, R. D. (1993). *Making democracy work: Civic traditions in modern Italy*. Princeton: Princeton University Press.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York: Simon & Schuster. (in Persian)

- Putnam, R. D. & Goss, K. A. (2002). Introduction. In R. D. Putnam (Ed.), *Democracies in flux: The evolution of social capital in contemporary society* (pp. 3-19). Oxford: Oxford University Press. (in Persian)
- Soroush, A. (1988). *Interpretation of the Holy Quran*. Serat Publishing.
- Tabatabai, S. J. (2006). *The School in the Process of Evolution*. Kavir Publishing. (in Persian)
- Tajbakhsh, K. (2006). *Social Capital: Trust, Democracy, and Development*. Tehran: Shirazeh Publishing. (in Persian)
- Tavassoli, G. & Mousavi, M. (2005). The Concept of Capital in Classical and Modern Theories. *Journal of Social Sciences*, 26. (in Persian)
- Villalba, B. (2007). Social capital: A review from a multidimensional perspective. Working paper, CERAPS, University of Lille 2.